



## Foreign policy strategies outlined in the Second Step of the Revolution Statement are grounded on the principle of rejecting subjugation

Mohammad Kakavand<sup>a\*</sup>, Seyed Morteza Honarmand<sup>b</sup>

<sup>a</sup> Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran .  
Kakavandm1362@gmail.com

<sup>b</sup> Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Malayer University, Malayer, Iran .  
navust@yahoo.com

### KEYWORDS

Statement of the second step of the revolution  
Foreign policy strategies  
The rule of negation

### ABSTRACT

The Islamic Revolution of Iran has completed its forty-year journey, showcasing its prosperity, triumph, and social maturity. In this significant phase, the wise and sagacious leader of the Islamic Revolution, through the issuance of the Second Revolution Declaration, revisited the track record of the Iranian Islamic Revolution, recounting its achievements, victories, honors, and blessings. The statement also highlighted the challenges, threats, opportunities, and various capacities of the current society, along with designing future strategies and cultural missions for its youth. One of these strategies involves foreign policy based on the principle of rejecting dependence. Utilizing library resources and a descriptive-analytical method, this article aims to explore the foreign policy strategies based on the principle of rejecting dependence from the text of the Second Revolution Declaration, emphasizing independence, freedom, wisdom, expediency, dignity, security, power, resilience, reluctance, distrust of the West, unfriendly relations with the West, and the rejection of foreign domination.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* Corresponding author. Tel.: E-mail address: Kakavandm1362@gmail.com

Received: 2023/9/16.; Received in revised form: 2023/10/19; Accepted: 2023/11/29

Article type: 10.22034/rtmr.2024.2020958.1040

©Author





## راهبردهای سیاست خارجی بیانیه گام دوم انقلاب مبتنی بر قاعده نفی سبیل

محمد کاکاوند<sup>الف\*</sup>، سید مرتضی هنرمند<sup>ب</sup>

<sup>الف</sup> استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران، [kakavandm1362@gmail.com](mailto:kakavandm1362@gmail.com)  
<sup>ب</sup> استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران، [navust@yahoo.com](mailto:navust@yahoo.com)

چکیده	واژگان کلیدی
انقلاب اسلامی ایران چهل سالگی خویش را پشت سر گذاشت و شکوفایی و سرزندگی و بلوغ اجتماعی خویش را در معرض نمایش گذاشت. در چنین مطلعی و مقطعی، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، با صدور بیانیه گام دوم انقلاب، به بازخوانی کارنامه انقلاب اسلامی ایران و برشماری دستاوردها، فتوحات، افتخارات و برکات گذشته و تبیین آسیب‌ها و تهدیدها و فرصت‌ها و ظرفیت‌های مختلف کنونی جامعه و طراحی راهبردهای حرکت آینده و مأموریت‌های تمدنی جوانان آن پرداختند. یکی از این راهبردها، راهبردهای سیاست خارجی است که مبتنی بر قاعده نفی سبیل است. در این مقاله با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی، با هدف کشف راهبردهای سیاست خارجی مبتنی بر قاعده نفی سبیل از متن بیانیه گام دوم انقلاب راهبردهای استقلال و آزادی، حکمت و مصلحت، عزت، امنیت و اقتدار و ایستادگی، عدم میل و اعتماد به غرب و نداشتن رابطه دوستانه با غرب و نیز نفی سلطه بیگانگان به دست آمد.	بیانیه گام دوم انقلاب راهبردهای سیاست خارجی قاعده نفی سبیل تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۸

پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

عصر حاضر عصر گسترده‌ترین هجمه‌های دینی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی به جامعه اسلامی به خصوص ایران اسلامی است که منجر به صف‌آرایی جهان اسلام، ایران اسلامی و کفر شده است؛ از این رو عدم غفلت جامعه اسلامی ایران تنها سلاح مبارزه با تسلط و سیطره بر تمام ابعاد وجودی است. پرچم‌دار مبارزه علیه تسلط و سیطره دشمنان در عصر حاضر، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای-دام ظلّه العالی- است که با رهنمودهای حکیمانه خویش به خصوص در بیانیه گام دوم انقلاب در عرصه و ابعاد گوناگون، خواب غفلت را از دیدگان زدوده است. یکی از این عرصه‌ها، سیاست خارجی است که مورد تأکید ایشان است؛ نظر به اهمیت و تأثیر این عرصه بر عرصه‌های دیگر مانند فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و ... و وجود احکام و قواعد متقن و مرتبط با سیاست خارجی مانند قاعده نفی سبیل، به استخراج راهبردهای سیاست خارجی بیانیه گام دوم انقلاب مبتنی بر «قاعده نفی سبیل» پرداخته تا ایران اسلامی را در مقابل هر گونه هجمه به مقابله هوشیارانه مسلط سازیم؛ چرا که بر اساس تبیین علمی و عینی قاعده نفی سبیل، سدی محکم و بنیانی مرصوص در مقابل هجمه‌های دشمن ایجاد شده و غرض شارع مقدس که سد راه هر گونه نفوذ و سیطره کفار بر مسلمین است محقق خواهد شد. حال پرسش این است که راهبردهای سیاست خارجی بیانیه گام دوم انقلاب مبتنی بر قاعده نفی سبیل کدامند؟

## مفهوم‌شناسی

### یکم. قاعده نفی سبیل

قاعده در لغت به معنای اساس، ریشه، ضابطه، اصل، آئین و... هست (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۵۳۲۴/۱۰، عمید، ۱۴۲۶، ۶۹۳؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۹۶/۵؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۱۲۹/۳) و در تعریف اصطلاحی آن اقوال مختلفی وجود دارد؛ «قاعده کلیه استدلال بهاء الفقهاء فی الموارد کثیره علی احکام عدیده (مشکینی، ۱۳۹۲، ۵۰۲/۱)؛ قاعده آن است که فقهاء در موارد زیادی برای احکام فراوانی بدان استدلال کنند»؛ «قواعد فقهی قواعدی است برای به دست آوردن احکام شرعی از باب تطبیق و نه استنباط» (فیاض، ۱۳۹۰، ۸/۱). قواعد فقهی مشترک میان مجتهد و مقلد، استقلالی (در مقابل ابزاری برای استنباط احکام)، به طور مستقیم مربوط به عمل مکلف و غایت آن بیان حکم حوادث جزئی است؛ منابع آن کتاب، سنت، اجماع و عقل در فقه شیعه است؛ این قواعد به لحاظ قلمرو شمول و جریان به قاعده جاری در یک باب مانند قاعده امکان، قاعده جاری در چند باب مانند قاعده مایضن و قاعده جاری در همه ابواب مانند قاعده اشتراک تقسیم می‌شوند. (ر.ک: شیخ انصاری، ۱۴۱۷، ۵۴۴/۲؛ سبحانی، ۱۳۸۱، ۵/۱؛ حکیم، ۱۴۲۹، ۴۳؛ سلیمان الاشقر، ۱۴۱۲ق، ۱۴۲؛ شهید اول، ۱۴۰۰ق، ۲۲۱/۲)

«نفی» در لغت به معنای انکار کردن چیزی، نهی، منع، راندن و دور کردن و دور شدن و... (رامپوری، بی‌تا: ۹۱۹) و «سبیل» به معنای طریق (ابن اثیر، ۱۴۲۰، ۳۳۸/۲؛ حمیری، ۱۴۲۰، ۲۹۵۰/۵؛ جوهری، ۱۴۱۰، ۱۷۲۴/۵)؛ راهی سهل‌الوصول برای به دست آوردن خوبی‌ها یا بدی‌ها (راغب، ۱۴۱۲، ۳۹۵) و مسافر به کار رفته است (عبدالرحمان، ۱۴۲۰، ۲۴۰/۲). پس سبیل به معنای راه سهل‌الوصول برای رسیدن به مقصد است. در اصطلاح مفسرین، سبیل به معنای حجت («لا سبیل لک علیه»؛ یعنی حجتی نداری که با آن بر ضد او استدلال کنی) (مغنیه، ۶۲۸/۱۳۷۸، ۲) و طریق حق و مستقیم بکار می‌رود. (آدینه‌وند، ۱۳۷۷، ۲۰۰/۱)

یکی از اصول و قواعد مهمی که در جامعه اسلامی هرگونه سلطه خارجی و غیرمسلمان را نفی نموده و سد محکمی در مقابل نفوذ و حمله‌های کفار به شمار می‌رود، «قاعده نفی سبیل» است. بر اساس این قاعده خداوند منان تمام راه‌های نفوذ و سلطه دشمن را بر مسلمانان بسته است. (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ۵۰۸/۳). از این رو فقها تعاریف مختلفی از این قاعده به دست داده‌اند که مضمون آن‌ها یکسان است: هرگونه سبیل و راهی که به هر طریق منجر به تسلط کفار بر مسلمانان و مؤمنان شود، ممنوع بوده و هرگاه چنین اختیار و اقتدار سلطه آمیزی از طرف غیرمسلمان علیه مسلمانی اعمال شود، موضوع قاعده نفی سبیل تحقق یافته و بر اساس این قاعده، در اسلام هر حکمی که مستلزم چنین سلطه‌ای باشد الهی نبوده و به مقتضای این قاعده نباید به آن عمل گردد. (بجنوردی، ۱۳۸۹، ۱۸۷/۱) نفی سبیل یعنی ممنوع بودن سلطه‌ی کفار بر مسلمین (مصطفوی، ۱۴۰۵، ۲۹۴/۱)، یعنی فرد مسلمانی کاری را انجام دهد که موجب سلطه‌ی کفار بر مسلمین شود؛ چه معامله باشد و چه مرابطات (مازندرانی، ۱۴۲۵، ۲۳۸/۱)، نفی سبیل یعنی کافر هیچ نوع ولایت و سلطنت در عرصه‌های مختلف زندگی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... بر مسلمان نداشته باشد. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ۴۵۱/۱)

### مستند قاعده نفی سبیل

مهم‌ترین دلیل این قاعده آیه «وَلَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است که عنوان قاعده نیز از همین آیه اتخاذ گردیده است؛ فقهای شیعه در ابواب مختلف از این آیه استنباط‌های فقهی داشته‌اند؛ در باب ارث با توجه به این آیه و روایت نبوی □ «الاسلام یعلو و لایعلی علیه» (شیخ صدوق، ۱۴۰۹، ۲۴۳/۴) حکم کرده‌اند که کافر از مسلمان ارث نمی‌برد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۲۴/۴)؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۳۲۸/۱)؛ در باب توکیل، کافر حق توکیل علیه مسلمان را ندارد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۳۴۹/۲)؛ عاملی، ۱۴۱۹، ۸۴/۲۱)؛ کافر بر فرد مسلمان هیچ حق ولایت و حضانتی ندارد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۲۵/۲۶)؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۲۲۷/۱)؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ۱۰۷/۱۲)؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰۶/۲۹)؛ فروش برده مسلمان بر کفار جایز نیست. (ابن زهره حلی، ۱۴۱۷، ۲۱۱/۱)؛ سبزواری، ۱۳۷۹، ۲۴۶/۱)؛ دادن منصب قضاوت به کافر جایز نیست (طباطبایی، ۱۴۲۴، ۸۶۹/۲)؛ بنای خانه‌ی کافر نباید از بنای خانه‌ی مسلمین رفیع‌تر باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۴۶/۲)؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۴۷۶/۱)؛ محقق حلی، ۱۴۱۳، ۲۴۵/۱)؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۳۰۲/۱)؛ علامه حلی، ۱۴۰۵، ۳۵۱/۱)؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ۳۴۴/۹)؛ زیرا باعث سلطه کافر می‌شود.

در این آیه در مورد جعل که در لغت به معنای قرار دادن و وضع کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۱۰/۱۱) دو نظریه وجود دارد؛ یکم: مراد، جعل تشریحی است؛ به این معنا که خداوند متعال در عالم تشریح، حکمی که موجب سبیل و سلطه کافران بر مؤمنان باشد، وضع نکرده است. (بجنوردی، ۱۳۷۷، ۱۸۸/۱) دوم: علاوه بر جعل تشریحی، جعل تکوینی نیز مراد است؛ یعنی در عالم تکوین نیز خداوند سبحان برای کفار، غلبه‌ای بر مؤمنان قرار نداده است؛ بلکه همیشه مؤمنان تفوق و غلبه دارند. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ۷۲۳/۲) همچنین در مورد متعلق نفی پنج نظریه وجود دارد:

### الف: حجت در آخرت

آیه مربوط به آخرت است یعنی هیچ غلبه و سلطه‌ای در قیامت برای کافران بر مؤمنان نیست هرچند ممکن است در دنیا کافران بر مؤمنان غلبه پیدا کنند چنانکه نمونه‌های فراوانی در ادوار مختلف تاریخ چه در دوران انبیاء و چه در دوران‌های دیگر وجود دارد. شاهد این مدعا تقدم عبارت «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (نساء، ۱۴۱)؛ پس خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند» است. افزون بر این روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که برخی از مفسران (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۳۸۷/۲) به آن تمسک کرده‌اند که می‌فرمایند آیه مربوط به روز قیامت است. روایت شده از یسع حصرمی که می‌گوید نزد علی بن ابیطالب علیه السلام بودم که مردی به حضرت علی علیه السلام عرضه داشت آیا قول خداوند را دیده‌ای (وَلَنْ يَجْعَلَ... چگونه است این درحالی که کفار ما را می‌کشند و بر زندگان ما غلبه پیدا می‌کنند؟ امام علی علیه السلام فرمودند: مراد و منظور آیه روز قیامت و روز حکم است و همچنین ابن عباس گفته است منظور آیه روز قیامت است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ۴۱۹/۵) در بین مفسرین شیعه نیز مرحوم طبرسی در تفسیر خود بعد از ذکر اقوال متعددی که ذیل آیه آمده است مراد آیه روز قیامت است را مورد تأیید قرار داده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۹۶/۳) در بین فقها آیت‌الله خویی قائل است که آیه ناظر به روز قیامت است. (خویی، ۱۴۱۷، ۸۵/۵).

### ب: نفی حکم تشریحی

عده‌ای از فقها قائل‌اند که منظور از نفی سبیل نفی تشریحی است. (لنکرانی، ۱۴۱۶، ۲۳۶/۱؛ اردبیلی، ۱۳۷۸، ۵۵۷/۲) یعنی چون شارع مقدس در مقام تشریح و قانون‌گذاری است هر عنوان، حکم و قراردادی که موجب استیلا کافر بر مسلمان شود در آیه نفی شده است و خداوند در عالم تشریح حکمی که موجب سلطه کفار بر مؤمنین باشد را وضع نکرده است. مراغی می‌گوید خدای متعال در این آیه، سبیل کفار بر مؤمنین را به‌طور عموم نفی کرده است پس هر چیزی که راه سلطه کافر بر مسلمان باشد از جانب خدا جعل نشده است و چیزی که از جانب خدا جعل نشده باشد باطل است چون آنچه خداوند امضاء کرده باشد و به آن راضی باشد صحیح است و گرنه باطل است. (۳۵۷/۲، ۱۴۱۷).

### ج: نفی حکم تکوینی

خداوند متعال در عالم تکوین تسلط کافران بر مؤمنین را برداشته است و همیشه مسلمانان باید سلطه بر کافران داشته باشند و دارند. این امر از کلمه «سبیل» که نکره در سیاق نفی است برداشت می‌شود؛ نکره در سیاق نفی افاده عموم می‌کند و شامل هر نوع سبیلی می‌شود، لذا خداوند هیچ راهی برای سلطه کفار بر مسلمین جعل نکرده است. در مورد عدم تطابق جعل با واقعیت نیز باید گفته شود که سبب و منشأ آن عملکرد خود مسلمانان است؛ اگر مسلمانان دارای اراده واقعی بودند و در همه زمینه‌ها به وظایف شرعی خود عمل می‌کردند باعث اتحاد شده در مقابل کفار مغلوب نمی‌شدند. برخی از مفسرین در توضیح این امر گفته‌اند: «از آنجاکه کلمه "سبیل" به اصطلاح از قبیل "نکره" در سیاق نفی است و معنی عموم را می‌رساند از آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطقی بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد باایمان، چیره نخواهند شد. و اگر پیروزی آن‌ها را بر مسلمانان در میدان‌های مختلف با چشم خود می‌بینیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان مؤمنان واقعی نیستند ... قابل توجه اینکه در این آیه پیروزی مسلمانان به‌عنوان "فتح" بیان شده درحالی که از پیروزی کفار تعبیر به "نصیب" شده است اشاره به اینکه اگر پیروزی‌هایی نصیب آنان گردد محدود و موقت و ناپایدار است و فتح و پیروزی نهایی با افراد باایمان هست». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷۵/۴). برخی از مفسرین نیز قائل به نفی حکم تکوینی هستند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۸۹/۵)

### د: نفی حجت دنیایی

مراد آیه آن است که کافران نمی‌توانند از لحاظ استدلال و حجت اعتقادی بر مسلمانان تسلط داشته باشند و مسلمانان با توجه به مبانی مستحکم توحیدی اعتقادی همیشه غالب بوده‌اند و هیچ‌وقت مغلوب نگشته‌اند؛ از ابوصلت هروی مروی است که گفت به حضرت رضا<sup>ع</sup> عرض کردم یا ابن رسول‌الله در شهر کوفه قومی هستند که گمان می‌کنند ... حسین بن علی<sup>ع</sup> کشته نشد بلکه حنظله بن سعد شامی شبیه بر او شد و او را کشتند ... و به این آیه شریفه دلیل می‌آورند وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. فرمود دروغ گفتند. اما قول خدا وَ لَنْ يَجْعَلَ ... مقصود حق تعالی این است که می‌فرماید خدا از برای کافر بر مؤمن حجتی قرار نداده است یعنی کافر نمی‌تواند مؤمن را در دلیل ایمان مغلوب کند و او را دلیلی نباشد که به سبب آن ظفر یابد. (ابن بابویه، بی‌تا، ۴۵۲/۲) فاضل جواد قول به برتری حجت مسلمان را در ذیل آیه به اکثر مفسرین نسبت می‌دهد. (۱۳۶۵، ۵۳/۳) برخی از مفسرین نیز با اشاره به برخی موارد که کافران بر مؤمنان و مسلمانان غلبه داشته‌اند، نظریه نفی دنیایی را می‌پذیرند. (سورآبادی، ۱۳۸۰، ۳۱۹/۱)

### ه: طریقت

امام خمینی<sup>ق</sup> می‌فرمایند: «اگر ما به صدر آیه توجه کنیم ممکن است گفته شود که قرار گرفتن نفی سبیل بعد از فقره «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ» در این آیه نشان می‌دهد که مراد، نفی سبیل در آخرت است اما این قول معتبر نیست. (۱۳۸۸، ۷۲۴/۲) اما با قطع نظر از صدر آیه شریفه بر اساس کتب تفسیر (طوسی، بی‌تا، ۳۶۴/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۹۶/۳) و غیر تفسیر، چند احتمال در معنای سبیل محتمل است. اما ظاهر این است که سبیل یک معنا بیشتر ندارد و آن طریق است که در همه استعمال‌های قرآن کریم به همین معنا آمده است. البته در برخی موارد قطعاً معنای حقیقی طریق قصد شده است، اما در اغلب موارد معنای مجازی آن به نحو حقیقت ادعایی طرح شده است. در این آیه سبیل به معنای « نصر » یا «حجت» به کار نرفته است بلکه ممکن است مراد از آن نفی مطلق سبیل باشد، به این معنا که نه در تکوین و نه در تشریح، برای کافران راه و سبیلی بر مؤمنان قرار داده نشده است. (خمینی، ۱۳۸۸، ۷۲۱/۲) از ادله دال بر عدم جعل سبیل در عالم تکوین، تأییدها و حمایت‌های مادی و معنوی و امدادهای غیبی الهی را نسبت به پیامبر<sup>ق</sup> و مؤمنان که موجب قدرت و اطمینان برای لشکر اسلام گردید نام برد. پس در این صورت صحیح است که بگوییم جعل در آیه جعل تکوینی را هم شامل می‌شود و کفار به لحاظ تکوینی نیز سبیل و طریقی برای تسلط بر مؤمنان ندارند، بلکه خداوند اسباب غلبه را در اختیار مؤمنان قرار داده است از جمله این اسباب امدادهای الهی در جنگ با کفار بوده است. (همان: ۷۲۳) در تشریح نیز خداوند برای کافران سلطه اعتباری بر مؤمنان قرار نداده است چراکه خداوند رسول‌الله<sup>ق</sup> را ولی و سلطان بر همه مردم و بعد از ایشان ائمه طاهرین علیه‌السلام و سپس عالمان الهی را حاکم بر مردن قرار داده است پس در عالم تشریح سبیل برای مؤمنان بر کفار جعل شده اما برای کفار چنین سبیلی وجود ندارد همچنان در قیامت نیز حجت برای مؤمنان بر ضرر کافران قرار داد ... لازمه نفی سبیل به صورت مطلق نفی همه سبیل است هم به لحاظ تکوین و هم به لحاظ تشریح بنابراین امر دایر بین یکی از معانی سبیل چنان که از کلام برخی مفسرین و غیر مفسرین روشن می‌شود، نیست.» (خمینی، ۱۳۸۸، ۷۲۱/۲-۷۲۲) در جمع‌بندی باید بگوییم بر اساس این آیه شریفه و اراده تشریحی و تکوینی خداوند متعال، نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین به هر شکلی نفی شده است.

### دوم. بیانیه گام دوم انقلاب

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ ارائه فرموده‌اند. بیانیه گام دوم انقلاب تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی است نزدیک خواهد کرد. یکی از عرصه‌های مهم در این بیانیه استراتژی‌های سیاست خارجی مبتنی بر قاعده نفی سبیل است که در صدیم بر اساس قاعده نفی سبیل، استخراج و بررسی کنیم.

### سوم. راهبرد

راهبرد یا استراتژی فن و علم توسعه و به کارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت، هنگام جنگ و صلح، به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال دستیابی به نتایج مطلوب برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست است که می‌توان به طور خلاصه به تعیین اهداف و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن تعبیر نمود. تفاوت راهبرد یا استراتژی و راهکار یا تاکتیک در این است که راهبرد، تصمیمات کلی اختصاص دادن منابع برای تحقق اهداف است، در حالی که تاکتیک در رابطه با به حرکت درآوردن این منابع، یعنی به اجرا گذاشتن آن‌هاست. به این ترتیب تصمیم‌های تاکتیکی، جزئیات تصمیم‌های استراتژیک را در برمی‌گیرد. به عبارت دیگر تاکتیک‌های تصمیماتی در جهت «استفاده مؤثر از منابع موجود و جزئیات اجرای راهبردها و استراتژی-هاست». استراتژی یا راهبرد بر ساخته دانش است و منظور ترسیم خطوط کلی رسیدن به یک مقصد معین همانند فتح قله کوه است و تاکتیک یا راهکار هدف‌های جزئی و عملیاتی‌تری است که در راستای راهبرد تعیین شده، طراحی می‌شود. راهبرد یا استراتژی به طرح عملیاتی درازمدتی گفته می‌شود که به منظور دستیابی به یک هدف مشخص طراحی شده باشد. راهبرد شامل زمینه‌های کاری گوناگون می‌شود. راهبرد یا استراتژی عالی‌ترین سطح از میان سطوح چهارگانه مدیریت است که عبارت‌اند از: ۱- سطح راهبردی ۲- سطح عملیاتی ۳- سطح تاکتیکی ۴- سطح تکنیکی (نصیری فقیر سمیعی، ۱۳۹۵، ۵۶)

### راهبردهای سیاست خارجی بیانیه گام دوم انقلاب

#### ۱. اصل استقلال و آزادی

از ثمرات مبتنی بر قاعده نفی سبیل استقلال و آزادی است؛ مقام معظم رهبری در توضیح آن می‌فرماید: «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است... این ثمر شجره طیبه انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه نمی‌توان در معرض خطر قرارداد... بدیهی است که استقلال نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۴۵). اگر جامعه یا ملتی وابسته باشد و استقلال خود را حفظ نکند چنین جامعه‌ای نه تنها پیشرفت نمی‌کند بلکه همیشه اهرم فشاری بر روی آن جامعه وجود داشته و اگر خواسته‌های دیگران را بجا نیاورد مورد تحریم قرار گرفته و از روزهایی که وابستگی شدید دارد ضربه خواهد خورد به همین دلیل است که خداوند متعال در قرآن کریم تأکید می‌کند که جامعه اسلامی باید بر روی پای خود بایستد و متکی به داشته‌های داخلی خود باشد و از وابستگی خارج شود. از این رو به گزارش قرآن اصحاب خاص پیامبر □ در انجیل به زراعتی تشبیه شده‌اند که جوانه‌های آن به تدریج نیرومند شده و بر پای خود ایستاده است به گونه‌ای که کشاورزان را به شگفتی وامی‌دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۹۲/۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱۵/۲۲) «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أُخْرِجَ شَطَأُ فَأَزْرَهُ فَاسْتَعْلَطَ فَاسْتَوَى عَلَي سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ... (فتح، ۲۹)؛ همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد». این تمثیل، به‌ویژه با توجه به تعبیر «فَاسْتَوَى عَلَي سَوْقِهِ» اشاره‌ای گویا به استقلال جامعه اسلامی دارد. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ۱۵۶/۳) در این آیه کریمه، خداوند مثلی را برای اهل ایمان یعنی برای مسلمانان که از دستورات پیغمبر اکرم □ پیروی می‌کنند ذکر می‌کند؛ دانه‌ای که در زمین کشت می‌شود ابتدا جوانه می‌زند و به برگی نازک و لطیف مبدل می‌گردد؛ «فَازْرَهُ» سپس دارای ساقه‌ای می‌شود که نسبت به آن برگ ویژگی دیگری دارد؛ یعنی آن را تقویت و محکم می‌کند؛ فَاسْتَعْلَطَ کم‌کم این ساقه ضخامت پیدا می‌کند؛ فَاسْتَوَى عَلَي سَوْقِهِ روی ساقه خودش می‌ایستد؛ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ و کشاورزان را به تعجب وامی‌دارد؛ اگر جامعه اسلامی به استقلال، رشد و تعالی دست‌یابد چشم دشمن را کور نموده و به خشم می‌آورد. (مطهری، ۱۳۹۰، ۵۲/۲۱) مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌گوید در این مثال خداوند، پیامبر اکرم □ زراعت و مؤمنین جوانه‌ها هستند که در ابتدا ضعیف و ناتوان بودند و سپس قوت یافته رشد می‌کنند، همین‌طور مؤمنین نیز یکدیگر را یاری می‌کنند تا آنجا که قدرت یافته بر کارها مسلط می‌شوند. (طبرسی، ۱۳۷۴، ۱۷۸/۲۳) علامه طباطبایی می‌گوید این آیه به این نکته اشاره می‌کند که خدای تعالی به مؤمنین برکت داده و روز به روز بر تعداد و نیروی آنان اضافه می‌شود از این رو در ادامه این کلام فرمود: "لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ" تا خداوند به‌وسیله آنان کفار را به خشم آورد. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۴۴۸/۱۸). مقام معظم رهبری در جمع مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی فرمودند: «من به همه‌ی این آقایان محترمی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری هستند این را عرض می‌کنم ..... برای پیشرفت امور کشور، برای توسعه‌ی اقتصادی، برای باز کردن گره‌ها، نگاهشان به بیرون از این مرزها نخواهد بود، نگاه به خود ملت خواهد بود. توانایی‌های ما زیاد است، ظرفیت‌های ما زیاد است؛ توجه به این ظرفیت‌ها، استفاده‌ی از این ظرفیت‌ها، برنامه‌ریزی عاقلانه و مدبرانه برای استفاده‌ی از این ظرفیت‌ها می‌تواند کشور را به اقتدار و استحکام ساخت درونی برساند؛ و این، آن چیزی است که دشمن را مأیوس می‌کند، این، آن چیزی است که به کشور و ملت و نظام اسلامی، به توفیق الهی مصونیت خواهد داد.» (۱۳۹۶/۲/۵) بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی □ هم در عمل و سیره و هم در قول تأکید به بریدن از وابستگی و استقلال و روی پای خود ایستادن دارند: «می‌دانید که تمام گرفتاری ما و عدم پیشرفت کشورهای اسلامی برای همین وابستگی‌های به خارج بوده است.

... در حقیقت ایران یک مستعمره‌ای بود که به‌حسب ظاهر مستقل، ولی به‌حسب واقع همه‌چیزش وابسته به غیر بود. امروز که بحمدالله با همت همه قشرهای کشور، این کشور به روی پای خود ایستاده است و فعالیت در همه قشرها شروع شده است، شما می‌بینید که در هر جا، چه تفاوت‌ها حاصل شده است؛ تمام این‌ها برای این است که کشور به دست خود شما افتاده است، استقلال فکری دارید، استقلال عمل دارید.» (خمینی، بی تا، ۹۶/۱۹).

## ۲. اصل عزت

عزت در مقابل ذلت است و ذلت سستی و حقارت در مقابل فرد بلند مرتبه است پس عزت، برتری و استعلا نسبت به فرد فرومایه است چه در تکوین یا عالم واقع و یا به لحاظ مالی، مقامی، ادعایی و انتسابی. از آثار آن قهر، غلبه، قوت و شدت است. حد اعلاي آن متعلق به خداوند متعال است: «و لا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (یونس، آیه ۶۵)؛ و گفتار [بی‌اساس و تبلیغات ناروای] مخالفان، تو را غمگین نکند؛ زیرا همه عزت و توانمندی برای خداست؛ او شنوا و داناست» و مراتب متأخر آن به کسی متعلق است که به خداوند نزدیک‌تر باشد: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون، آیه ۸)؛ می‌گویند: اگر به مدینه بازگردیم، مسلماً آنکه عزیزتر است [یعنی عبدالله بن ابی سلول، رئیس منافقان] آن را که خوارتر است [یعنی پیامبر که هنوز به پندار آنان تمکن لازم را به دست نیاورده] از آنجا بیرون می‌کند. در حالی که عزت و اقتدار برای خدا و پیامبر او و مؤمنان است، ولی منافقان [به این حقیقت] معرفت و آگاهی ندارند.» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ماده عز).

اصل عزت با قاعده نفی سبیل تطابق کامل داشته و از نتایج آن به شمار می‌رود؛ از نظر مقام معظم رهبری علم و پژوهش (جهاد علمی) آشکارترین وسیله عزت و قدرت است چرا که روی دیگر دانایی، توانایی است و دنیای غرب به برکت دانش خود به ثروت، نفوذ و قدرت استیلا بر کشورهای دیگر دست یافته است. از منظر ایشان با جوشش چشمه دانش در میان خود می‌توانیم به اصل عزت و تسلط و استیلاي دشمن در قالب تحریم مالی و علمی پایان دهیم. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۳۵-۳۷) دلیل این سخن، حدیث «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۲۰ / ۳۱۹)؛ دانش سلطنت و قدرت است هر کس آن را بیابد با آن یورش برد و هر که آن را نیابد بر او یورش برند و مغلوب گردد. همچنین ایشان، مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» را نیز عامل عزت و پیشرفت ایران در همه عرصه‌هاست. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۱۹) قرآن کریم نیز دستیابی به عزت را پایان دادن به ولایت و اتکال به دشمن می‌داند: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (نساء، ۱۳۹)؛ همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می‌گیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان می‌طلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست. ایشان تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم، شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه، گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب آن در سراسر جهان سلطه را از مظاهر اصل عزت در صحنه جهانی می‌داند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۴۶)

## ۳. اصل حکمت و مصلحت

حکمت از ماده حکم در لغت بر موضوعاتی حمل و اطلاق می‌شود که در آن امر و نهی و از سر حتمیت و یقین باشد؛ از این رو در قضاوت، فقه، علم، منع و رد، اتقان و اموری که در آن اختلاف و تردید نیست به کار می‌رود؛ اما حکمت نوع خاصی از حکم است که به معارف قطعی و حقائق متقن و معقول بازمی‌گردد. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۳۰۹-۳۱۰، ماده حکم) مصلحت یعنی بیشترین کمال و کامل‌ترین وضعی که با انجام دادن هر کار ممکن می‌تواند حاصل شود. در نظر گرفتن مصلحت در انجام دادن کار و انتخاب کار متناسب با آن را حکمت می‌نامند و کار بر اساس مصلحت و متناسب را کار حکیمانه گویند؛ از آنجا که انجام دادن کار حکیمانه مقتضای عقل است آن را کار معقول نیز می‌نامند پس کار حکیمانه کاری است که هدفی معقول داشته باشد. (عبودیت و مصباح، ۱۳۹۱، ۱۹۹-۲۰۱) اصل حکمت و مصلحت نیز با قاعده نفی سبیل تطابق کامل داشته و از ثمرات آن محسوب می‌شود؛ بر اساس قاعده نفی سبیل تمام رفتارهای ما با دولت‌های دیگر باید بر اساس استراتژی و اصل حکمت و مصلحت باشد. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، روابط بین‌المللی، حل مشکلات خود با دول دیگر به خصوص غربی و دستیابی به عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، حل مشکلات داخلی، عدم پذیرش پیشنهادهای سراسر خدعه و فریب غرب، حفظ ارزش‌های اسلامی و ملی را مرسوم استراتژی و اصل حکمت و مصلحت می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۴۶-۴۷)

#### ۴. اصل امنیت، اقتدار و ایستادگی

از دیگر استراتژی‌های سیاست خارجی که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم بدان اشاره نموده است «ثبات و امنیت روزافزون و حفظ تمامیت ارضی ایران» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۰)، «اقتدار انقلاب اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۸) و «ایستادگی روزافزون در برابر مستکبران و تغییر چالش‌ها و شکست آنان» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۶) است. این اصل نیز مبتنی بر قاعده نفی سبیل است؛ بر اساس این قاعده تا امنیت، ثبات و حفظ تمامیت ارضی ایران صورت نگیرد اقتدار انقلاب اسلامی، تغییر چالش‌ها، ایستادگی و شکست مستکبران امکان‌پذیر نخواهد بود. از منظر ایشان اقتدار انقلاب اسلامی منجر به شکست مستکبران و تغییر چالش‌ها و تفاوت معنادار در آغاز و امروز ایران در عرصه‌های مختلفی مانند حضور و نفوذ ایران از تعطیلی سفارت و لانه جاسوسی تا مرزهای اسرائیل و حمایت از مقاومت و مجاهدان سرزمین‌های اشغالی، حل مشکل خرید تسلیحات ابتدایی به انتقال سلاح‌های پیشرفته به نیروهای مقاومت، عجز نظام سلطه از فائق آمدن بر جمهوری اسلامی و احتیاج به ائتلاف بزرگ بر علیه ایران اسلامی شده است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ۲۸-۲۹)

#### ۵. عدم میل و اعتماد به غرب و دشمن

حکومت اسلامی نباید به دشمن و ستمگران اعتماد داشته باشند چراکه همین اعتماد زمینه‌ساز سلطه آنان علیه مسلمانان را به وجود می‌آورد و این خود باقاعده نفی سبیل ندارد. قرآن کریم به صراحت به همین امر اشاره دارد در آیه ۱۱۳ سوره هود می‌فرماید: «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ... تکیه و اعتماد بر ستمگران در شکل وابستگی آشکار می‌گردد و وابستگی فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی نتیجه‌ای جز اسارت و استثمار و نابودی استقلال ندارد. (زحیلی، ۱۴۱۱، ۱۶۷/۲؛ مکارم، ۱۳۷۱، ۲۵۹/۹) علامه طباطبائی درباره کلمه «ظلموا» می‌فرماید:

آیه شریفه نهی می‌کند از رکون به هرکسی که به علامت ظلم شناخته شده باشد، چه اینکه مشرک باشد یا موحد، چه اهل کتاب باشد و چه مسلمان. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۷۱/۱۱-۷۲)

امام خمینی □ بر مبنای عدم اعتماد و اتکا به دشمن تذکر داده‌اند. که ایران اسلامی باید روی پای خود بایستد از برخی روشنفکران افسوس می‌خوردند که نمی‌توانند از وابستگی به دشمن دست‌بردارند. (خمینی، بی‌تا، ۱۹/۳۴۱).

باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطنانی شمارا به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند؛ و باراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید. بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشم‌داشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه‌چیز را دارد. و آنچه انسان‌های شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکابه‌نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی‌ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب. (خمینی، بی‌تا، ۳۹-۴۰؛ ۲۱/۴۱۷).

ایشان در این گفته عوامل موفقیت و پیشرفت ایران را ذکر می‌نمایند که اولین آن‌ها اتکاء به خداوند منان است دومی آن‌ها هوشیاری و بصیرت است و سومی آن‌ها دوری از یاس و ناامیدی و تقویت اعتمادبه‌نفس است چهارمی آن‌ها خارج شدن از سیطره اجانب است. مقام معظم رهبری به پیروی از قرآن و به تأسی از رهبر کبیر انقلاب مکرراً و مؤکداً عدم اعتماد به دشمن و غرب را بر مبنای قاعده نفی سبیل، هم به ملت ایران و هم به دولت‌مردان گوش زد کرده‌اند:

خب این روزها در کشور صحبت، صحبت اروپایی‌ها و پیشنهادهای اروپایی است. من توصیه‌ام این است که به اروپایی‌ها هم اعتماد نکنید. در مورد آمریکا هم من از دو، سه سال پیش که این بحث‌های مذاکرات مربوط به هسته‌ای برقرار بود دائماً، هم خصوصی به مسئولین می‌گفتم، هم در جلسات عمومی -در سخنرانی‌ها- مکرراً گفتم که من اعتمادی به این‌ها ندارم. به این‌ها اعتماد نکنید؛ به این‌ها اطمینان [نکنید]؛ به حرفشان، به قولشان، به امضایشان، به لبخندشان اعتماد نکنید، این‌ها مورد اعتماد نیستند. ... امروز هم دارم راجع به اروپا می‌گویم «غیرقابل اعتمادند»؛ ... بحث سر این است که به این‌ها با چشم بدبینی نگاه کنید؛ این‌ها به هیچ‌چیز پابند نیستند. (۱۳۹۷/۱۱/۱۹)

در بیانیه گام دوم انقلاب درباره مرزبندی با دشمن، خطاب به ملت عزیز ایران این‌گونه توصیه می‌کنند:

عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه شاخصه‌هایی از اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌های جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق‌یافته در آستانه ظهورند، تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم، شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. این‌ها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگران‌اند پیشنهادهای آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران

علاوه بر آمریکای جنایت‌کار تعدادی از دولت‌های اروپایی نیز خدعه‌گر و غیرقابل‌اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها با دقت حفظ کند از ارزش‌های انقلابی و ملی خود یک گام هم عقب‌نشینی نکند، از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد، و در همه حال عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل‌حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

## ۶. نداشتن رابطه و دوستی صمیمانه با غرب

قرآن کریم مسلمانان را از دوستی با اهل کتاب و کفار که زمینه‌ساز سلطه و حاکمیت آنان و نفی استقلال مسلمانان است را بر حذر داشته است. *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَاغَةَ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا* (آل عمران: ۱۱۸). واژه «بطانه» به معنای لباس‌زیر (مصطفوی، ۱۳۷۴، ۲۹۲/۱) و آستر هر چیزی (راغب، ۱۴۱۳، ۱۳۰) معنا شده است «بطانه» به صورت استعاره برای کسی که از باطن کار تو بااطلاع است، منظور آیه این است که آن‌ها را محرم خود نگیرید که به باطن امورتان پی ببرند. پس «بطانه» در آیه کنایه از این است که کافران و بیگانگان نباید محرم اسرار مسلمانان قرار گیرند زیرا دوستی و اعتماد و وابستگی به بیگانگان موجب نابودی خرد مسلمانان می‌شود (طبری، ۱۴۱۲، ۳۹/۴). نفی دوستی و رابطه با بیگانگان نوعی از نفی سبیل و سلطه غیرمسلمانان بر مسلمانان است، چراکه برخی از دوستی‌ها باعث می‌شود که دیگران بر اسرار مسلمانان دست پیدا کرده و از همان اسرار علیه مسلمانان استفاده کنند، لذا قرآن به صورت صریح هرگونه دوستی با بیگانگان را نهی و مذمت کرده است. از نظر امام خمینی □ شرط رابطه و دوستی با بیگانه تا زمانی است که در امور داخلی مسلمانان دخالت نکنند و باید دوستی بر پایه احترام متقابل باشد:

تبلیغات روزنامه‌های شوروی مداخله در امور داخلی محسوب نمی‌شود. و در واقع تمام روزنامه‌های جهان باید از ما علیه رژیم شاه حمایت کنند. اتحاد شوروی در ردیف کشورهای است که وضع ملت ایران را درک کرده و رفتار خود را بر همین اساس بنا نهاده است. ما با شوروی مانند همه کشورهای دیگر، مادام که نخواهند در امور داخلی ما مداخله کنند، روابط دوستی خواهیم داشت. باید به روابط حُسن تفاهم و دوستی بر پایه احترام متقابل استوار بود. (خمینی، ۴۱۵/۵).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب قائل به حل مشکلات با اروپاییان هستند اما مذاکره و رابطه با آمریکا را صریحاً منع کرده و حتی قائل به زیان معنوی هم هستند:

دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها - تعدادی از دولت‌های اروپایی - با دقت حفظ کند، از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند، از تهدیدهای پوچ آن‌ها نهراسد، و در همه حال عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل‌حل خود را با آنان حل کند. در مورد

آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

## نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم انقلاب از یک سری مبانی پیشینی و عقبه پنهان غنی دینی که در خود بیانیه مطوی است برخوردار است؛ یکی از این مبانی قاعده نفی سبیل است؛ بر اساس این قاعده باید از هر گونه تسلط در هر زمینه‌ای از سوی دشمنان بر ملت ایران پرهیز شود. اجرای این قاعده مستلزم داشتن راهبرد است که با کنکاش در متن این بیانیه به دست می‌آید؛ این راهبردها شامل استقلال و آزادی، حکمت و مصلحت، عزت، امنیت و اقتدار و ایستادگی، عدم میل و اعتماد به غرب و نداشتن رابطه دوستانه با غرب به هست.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن علی، *عوالی اللئالی*، قم، دارسیدالشهداء للنشر، ۱۴۰۵.
۲. ابن ابی الحدید عبد الحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید*، مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴.
۳. ابن اثیر، مبارک، *النهایه*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۴۲۰.
۴. ابن ادریس حلی، محمد، *السرائر*، قم، حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰.
۵. ابن زهره حلی، حمزه، *غنیة النزوع*، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷.
۶. ابن کثیر، اسماعیل به عمر، *تفسیر قرآن العظیم*، بیروت، درا الکتب العلمیه، ۱۴۱۹.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۸. ابن بابویه، محمد، *عیون اخبار الرضا*، محمدتقی نجفی اصفهانی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی تا.
۹. آدینه‌وند لرسناتی، محمدرضا، *کلمة الله العلیا*، تهران، اسوه، چاپ: ۱، ۱۳۷۷.
۱۰. بجنوردی، حسن، *القواعد الفقهیه*، قم، الهادی، ۱۳۷۷.
۱۱. جصاص، احمد بن علی، *محقق احکام القرآن*، لبنان، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
۱۴. حکیم، سیدمحمدتقی، *الاصول العامه للفقہ المقارن*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۹.
۱۵. حمیری، نشوان، *شمس العلوم*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰.
۱۶. خامنه‌ای سیدعلی، *بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
۱۷. خوبی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهه*، قم، انصاریان، ۱۴۱۷.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، مؤسسه لغت نامه، ۱۳۷۷.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالعلم، اول، ۱۴۱۲.
۲۰. رامپوری، *غیث اللغات*، بی جا، بی تا، بی تا.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *تفسیر قرآن مهر*، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۲۲. زبیدی، مرتضی، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.

۲۳. زحیلی، وهبه، *التفسیر المنیر*، سوریه دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۱.
۲۴. زرقاء، مصطفی، *المدخل الفقہی العام*، دمشق، جامعہ، ۱۹۶۳.
۲۵. سبحانی جعفر، *تہذیب الاصول*، قم، عروج، ۱۳۸۱.
۲۶. سبزواری، علی مؤمن قمی، *جامع الخلاف و الوفاق*، قم، زمينہ سازان ظهور، ۱۳۷۹.
۲۷. سلیمان الاشقر، *تاریخ الفقہ الاسلامی*، عمان، مکتبہ الفلاح، ۱۴۱۲ق.
۲۸. سورآبادی، ابوبکر، *تفسیر سورآبادی*، تهران، نشر نو، ۱۳۸۰.
۲۹. شاهرودی، محمود، *فرہنگ فقہ*، قم، اہل بیت (ع)، ۱۴۲۶.
۳۰. شیخ انصاری محمد بن امین، *فرائد الاصول*، قم، موسسہ نشر اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۷ق.
۳۱. شیخ صدوق، محمد، *من لا یحضرہ الفقیہ*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
۳۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
۳۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *الخلاف*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷.
۳۴. شیخ طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط*، تهران، آثار جعفری، ۱۳۸۷.
۳۵. طباطبائی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، قم، جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۳۶. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، *العروہ الوثقی*، قم، نشر اسلامی، ۱۴۲۴.
۳۷. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، *تکملہ العروہ الوثقی*، تهران، اسلامیہ، ۱۳۸۹.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر مجمع البیان*، تهران، فراہانی، ۱۳۷۴.
۴۰. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، درا المعرفہ، ۱۴۱۲.
۴۱. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶.
۴۲. عاملی محمدبن مکی شہید اول، *القواعد و الفوائد*، قم: مفید، ۱۴۰۰ق.
۴۳. عاملی، سید جواد حسینی، *مفتاح الکرامہ*، قم، حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹.
۴۴. عبدالرحمان، *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقہیہ*، قم، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۹۰.
۴۵. عبودیت عبدالرسول و مصباح مجتبی، *خداشناسی فلسفی (مبانی اندیشہ ۲)*، قم: انتشارات مؤسسہ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ ۴، ۱۳۹۱.
۴۶. علامہ حلّی، یوسف بن مطہر، *ارشاد الازہان*، قم، حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵.
۴۷. علامہ حلّی، یوسف بن مطہر، *تذکرہ الفقہا*، قم، موسسہ آل البیت (ع)، ۱۴۱۴.
۴۸. علامہ حلّی، یوسف بن مطہر، *قواعد الاحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
۴۹. عمید زنجانی، عباسعلی، *فقہ سیاسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۴۲۱.
۵۰. عمید، حسن عمید، *فرہنگ عمید*، قم، اہل بیت (ع)، ۱۴۲۶.
۵۱. فاضل جواد، جواد بن سعید، *مسائل الافہام*، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۵.
۵۲. فاضل موحد لنگرانی، محمد، *القواعد الفقہیہ*، قم، چاپ مہر، ۱۴۱۶.
۵۳. فضل اللہ، محمدحسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹.
۵۴. فیاض، محمد اسحاق، *محاضرات فی اصول الفقہ*، قم، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۹۰.
۵۵. قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرہنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۸.
۵۶. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۵۷. مازندرانی، علی اکبر سیفی، *مبانی الفقہ الفعال*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۵.

۵۸. محقق حلی، جعفر، *الرسائل التسع*، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۳.
۵۹. محقق حلی، جعفر، *شرایع الاسلام*، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
۶۰. محقق کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد*، قم، مؤسسه آل البيت، دوم، ۱۴۱۴.
۶۱. مراغی، سید میر عبدالفتاح، *العناوین الفقهیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷.
۶۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۶۳. مشکینی، علی، *مصطلحات الفقه*، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۲.
۶۴. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۶۵. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۶۶. مصطفوی، سید محمدکاظم *مائة قاعدة فقهیه*، قم، حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵.
۶۷. مطهری، شهید مرتضی، *فقه و حقوق*، قم، صدرا، ۱۳۹۰.
۶۸. مغنیه، محمدجواد، *تفسیر کاشف*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۶۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدہ البیان*، قم: انتشارات مؤمنین، ۱۳۷۸.
۷۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۷۱. موسوی بجنوردی، سید حسن، *القواعد الفقیه*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۹.
۷۲. موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.
۷۳. موسوی خمینی، روح الله، *البیع*، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی قدس (ره)، ۱۴۲۱.
۷۴. موسوی خمینی، روح الله، بی تا، *وصیت نامه الهی سیاسی*، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره).
۷۵. موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱.
۷۶. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.
۷۷. نصیری فقیر سمعی فرهاد، " *رابطه استراتژی (راهبرد) با تاکتیک (راهکار)*" دو ماهنامه مهندسی مدیریت، ش ۶۵، ص ۵۶-۷۰، ۱۳۹۵.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، *فرهنگ قرآن*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی